

فرهنگ دالما در دشت همدان

بخشی از نتایج کاوش لایه‌شناختی تپه تازه‌کند در همدان

بهزاد بلمکی

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

balmaki@iauh.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۲۶

(از ص ۶۳ تا ۸۲)

چکیده

پژوهش‌های میدانی زیادی وجود آثار دالمایی را در مناطق گسترده‌ای از شمال غرب ایران، زاگرس مرکزی و شمال بین‌النهرین نشان می‌دهد؛ در این میان، منطقه‌ی همدان با وجود این‌که همواره بخشی از این گستره به‌شمار می‌رود، به‌عنوان یک مرکز شایان توجه در دوران تاریخی، کمتر مورد توجه باستان‌شناسان پیش از تاریخی قرار گرفته است. با شناسایی و مطالعه‌ی تپه‌ی تخریب شده‌ی «تازه‌کند» (حسام آباد) در روستایی به‌همین نام، طی یک پروژه‌ی لایه‌شناختی با پنج گمانه‌ی آزمایشی و همچنین سایر محوطه‌های دالمایی شناسایی شده در دشت همدان و غنای یافته‌های سفالی آن، حضور پررنگ فرهنگ دالما در این منطقه کاملاً مشهود است. این فرهنگ که در فازهای متأخر بیشتر به‌شکل ادغام با سبک‌های محلی دیده می‌شود؛ در تپه‌ی تازه‌کند نیز همین شیوه با رویکرد یکجانشینی طولانی به‌چشم می‌خورد. پیکره‌ی اصلی این محوطه، شامل آثاری از دوران مس‌وسنگ میانی است که دربردارنده‌ی فازهای متمایز گودین IX، X است که لایه‌های فوقانی آن، شامل انباشت‌ها و پرشدگی‌هایی است که تلفیقی از سفال‌های منقوش سه‌گابی و دالما است. در فاز آغازین، یعنی فاز دالما علاوه‌بر نهشته‌ها و دورریزها و سفالینه‌های شاخص از جمله سفال‌هایی با نقش نیشگونی، بقایای دیواری خشتی نیز شناسایی شد. وجود این محوطه در دشت همدان به‌همراه سایر محوطه‌های شناسایی شده در این دشت، می‌تواند یک چشم‌انداز فرهنگی از فرهنگ دالما در همدان تعریف کند. در این مقاله، سعی شده تا با ارائه‌ی بخشی از نتایج کاوش در این محوطه و اشاره‌ای به سایر محوطه‌های دالمایی شناسایی شده در همدان، پراکندگی فرهنگ دالما در این دشت‌ها مورد مطالعه قرار گیرد؛ چراکه این دشت‌های کوچک و نسبتاً مسطح در کرانه‌های الوند، همواره مورد توجه کانون‌های جمعیتی دوران روستانشینی بوده و با توجه به ساختار زیست‌محیطی آن در شکل‌گیری استقرارهای نیمه‌دائم فرهنگ دالما مؤثر بوده است.

کلیدواژگان: باستان‌شناسی همدان، تپه تازه‌کند، فرهنگ دالما، لایه‌نگاری باستان‌شناختی.



► شکل ۲. گستره‌ی فرهنگ دالما از بالا به پایین در منطقه (تغییرات بر روی نقشه‌ی Google Map اعمال شده، توسط نگارنده).

عیدی و حلفی در بین‌النهرین و یا حتی سفال‌های دالمایی و سفال جی در لرستان (Hole, 2011: 6) و به احتمال بیشتر این می‌تواند ناشی از رشد بیشتر انتشار فرهنگی باشد تا حرکت‌های جمعیتی در این مناطق (Tonoike, 2009; Hole, 2011)، (شکل ۲). تاریخ‌گذاری‌های موجود حاکی از آن است که افق زمانی دالمای آذربایجان و دالمای زاگرس مرکزی کاملاً با هم همخوانی داشته و زمانی، حدود ۴۱۰۰ تا ۳۷۰۰ ق.م، را دارند و از لحاظ افق باستان‌شناختی متعلق به اوایل مس‌وسنگ میانی است (Henrickson, 1985: 97).

ویژگی‌های بوم‌شناختی دشت همدان

شهرستان همدان در طول دره‌ی وسیعی که از دو طرف به کوه‌های بلند و ارتفاعات الوند محصور است، قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا حدود ۱۷۴۷ متر است که از این نظر جزو مناطق مرتفع محسوب می‌شود. از نظر ناهمواری‌ها، استان همدان منطقه‌ای کوهستانی است و کوه‌های آن جزو کوه‌های مرکزی و غرب ایران بوده، اما ارتفاعات غرب و جنوب‌غرب استان جزو پیشکوه‌های داخلی زاگرس است، که جهت عمومی آن‌ها از شمال‌غرب به جنوب‌شرق است.

دشت همدان و مناطق همجوار آن، عمدتاً از دو واحد مشخص زمین‌ریخت‌شناختی شامل، مناطق کوهستانی و دشت‌های فلاتی تشکیل یافته است (شکل ۳). از نظر توپوگرافی در بستر سطحی منطقه، غلبه با رخنمون‌های سنگی است و در برخی قسمت‌ها خاک‌های کم‌عمق و سنگ‌لاخی نیز یافت می‌شود (تهرانی، ۱۳۸۲: ۸۶) و از آن‌جا که تغییر شیب در دامنه‌ها از نظر ریخت‌شناسی به‌صورت کاو بوده، شیب



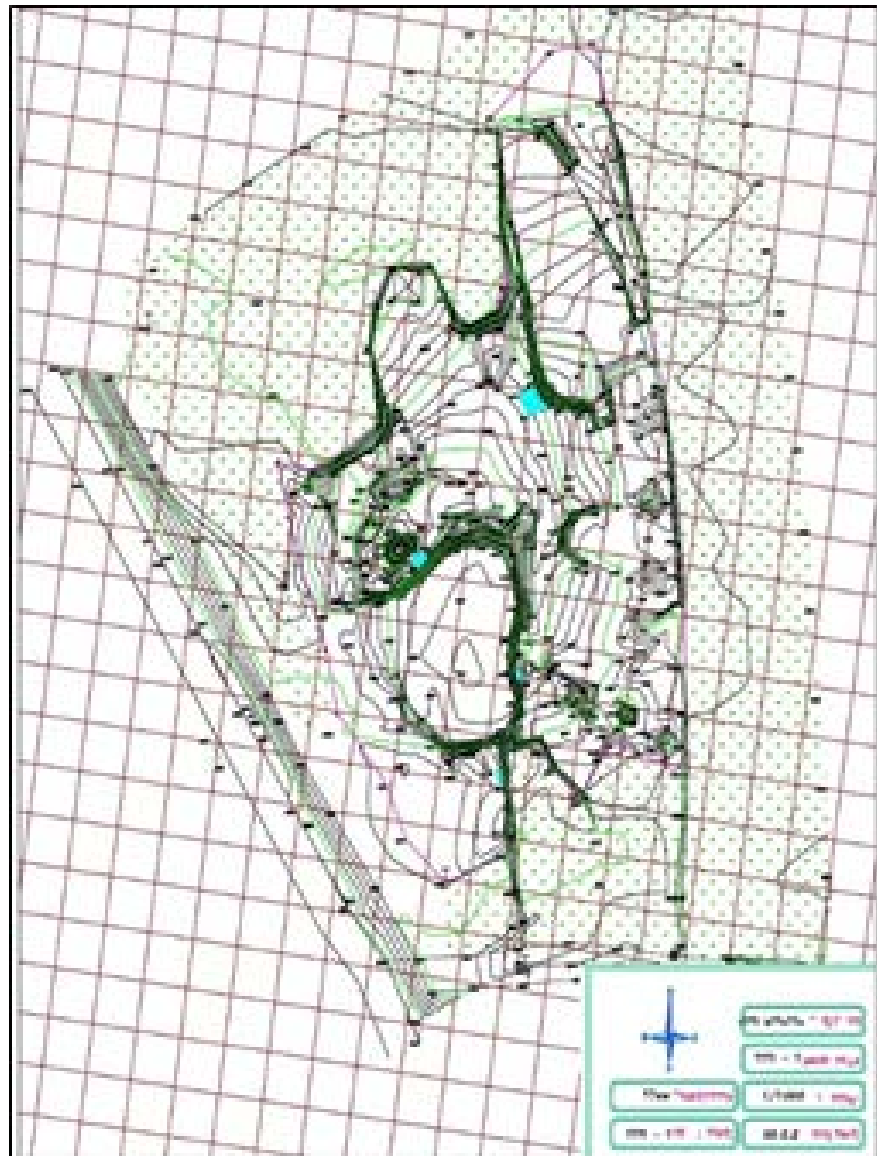
شکل ۳. موقعیت تپه تازه‌کند در دشت پای کوهی همدان و بهار (با علامت سفید مشخص شده است)، (Google Earth).

از رأس به دشت‌های اطراف منتهی می‌گردد. تراکم رسوبات فرسایشی از کوه‌های مجاور و همچنین نفوذ شبکه‌های فصلی اطراف، در شمال شرق و جنوب شرق منطقه و همچنین دره‌های پایین، سبب گسترش سکونتگاه‌های انسانی و مزارع شده است. بخشی از خاک‌های آهک‌دار این مناطق به دلیل محدودیت‌های موجود در منطقه، مانند فقدان پوشش خاکی و گیاهی و فرسایش شدید و نیز شیب‌های تند، دارای محدودیت جهت تشکیل خاک مناسبند و برای کشاورزی مناسب نیستند (کردوانی، ۱۳۷۴: ۶۵).

بلندترین نقطه‌ی ارتفاعی حوضه‌ی آبریز کوه الوند با ارتفاع ۳۵۸۰ متر از سطح دریا است. مهم‌ترین این سرشاخه‌ها از شرق به غرب شامل رودخانه‌ی آبشینه که سد اکباتان همدان نیز بر روی آن احداث شده است. رودخانه‌ی ابرو، رودخانه‌ی چشین، آلو سجد، دیویجین، عباس‌آباد (گنجامه)، مریانج، صالح‌آباد، بهادریگی و رودخانه‌ی قره‌آغاج، رودخانه‌های مهم همدان است که پس از پیوستن آن‌ها به یکدیگر رودخانه‌ی سیمین رود تشکیل می‌گردد. در نهایت سیمین‌رود به سد غدیر ساوه ریخته و سرریز آن به دریاچه‌ی نمک می‌ریزد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۰: ۴۳).

روش کاوش و توصیف نهشته‌ها

در این کاوش، به‌طور کلی ۵ گمانه‌ی آزمایشی در نزدیکی دیواره‌ها و در قسمت‌های سالم تپه زده شد و هدف از انتخاب آن‌ها این بود که با کمترین تخریب و آسیب به بدنه‌ی تپه تنها با خواناسازی دیواره‌های موجود بتوان لایه‌های موجود در تپه را به‌خوبی شناسایی کرد (شکل ۴). انتخاب گمانه بر مبنای خواناسازی دیواره‌های موجود و تخریب شده‌ی محوطه صورت گرفت. همان‌طور که گفته شد این محوطه توسط لودر و ماشین‌آلات سنگین، به‌شدت خاکبرداری شده و تنها دیواره‌های اطراف مرکز محوطه سالم باقی‌مانده است. به‌همین دلیل گمانه‌های عمودی از میان این دیواره‌ها انتخاب گردید و تنها به خواناسازی لایه‌های موجود در این دیواره‌ها بسنده گردید؛ گمانه‌های دارای آثار فرهنگ دالما به‌شرح ذیل است.



► شکل ۴. نقشه توپوگرافی، شبکه‌بندی و موقعیت گمانه‌ها با رنگ آبی (نگارنده، ۱۳۹۰).

گمانه‌ی شماره‌ی ۱ (TT.1)

این گمانه در رأس تپه و تقریباً در قسمت مرکزی تپه بر روی برشی که قبلاً توسط لودر ایجاد شده بود، اجرا گردید (شکل ۳ و تصاویر ۱ و ۲). این بخش یکی از بلندترین قسمت‌های تپه است که می‌توانست بیشترین اطلاعات را از وضعیت قرارگیری لایه‌ها در اختیار ما بگذارد، به همین دلیل بر روی این برش گمانه‌ای با ابعاد ۲×۳ متر و در راستای تقریبی شمال‌غربی - جنوب‌شرقی ایجاد شد. در این گمانه ۳۵ لوکوس شناسایی و بیشترین یافته‌های فرهنگی و لایه‌های این گمانه متعلق به فرهنگ دالما است که دارای سفال‌های متنوع زیادی نیز از این فرهنگ است (شکل ۶ و ۷). کل سفال‌های این گمانه همگی متعلق به دوران مس‌وسنگ هستند و اغلب دارای پوشش گلی غلیظ، به رنگ‌های نارنجی، قرمز-نارنجی، قرمز و قرمز تیره و دارای آمیزه‌ی ترکیبی از مواد معدنی و گیاهی است. حجم زیادی از سفال‌ها مربوط به سفال‌های دالمایی از نوع دالمای ساده، فشاری، استریکی

و مخطط است. موارد دیگری از جمله سفال‌های منقوش سیاه روی نخودی نیز در بین نمونه‌ها یافت می‌شود (شکل ۵ و ۶). در این گمانه، علاوه بر نهشته‌ها و دورریزها و سفالینه‌های شاخص دالما، بقایای دیواری خشتی نیز شناسایی شد که با شماره‌ی لوکوس ۱۲۰ مشخص شده است (تصویر ۳). ابعاد خشت‌های این دیوار بر $۹ \times ۳۰ \times ۳۰$ سانتی‌متر است که ۴ رج آن باقی‌مانده است (تصویر ۲). این دیوار بر روی بقایا و نهشته‌های باقی‌مانده از دوره‌ی دالما ایجاد شده و این نهشته‌ها تا روی خاک بکر ادامه دارد. ملات به کار رفته در دیوار کاه‌گل است و در امتداد غربی با یک



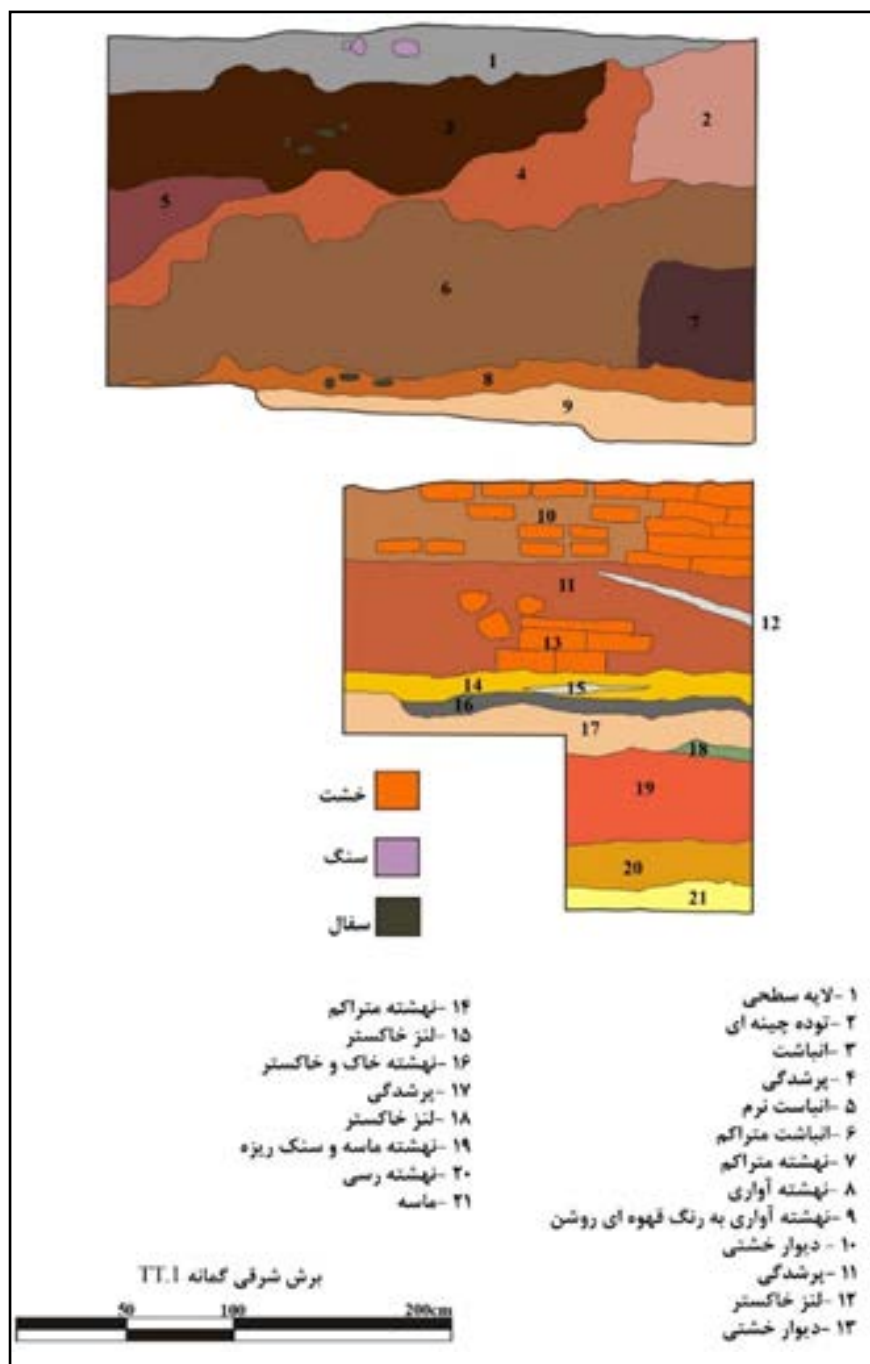
▲ تصویر ۱. گمانه‌ی شماره‌ی ۱ پس از اتمام کار و در حال لایه‌نگاری (نگارنده، ۱۳۹۰).



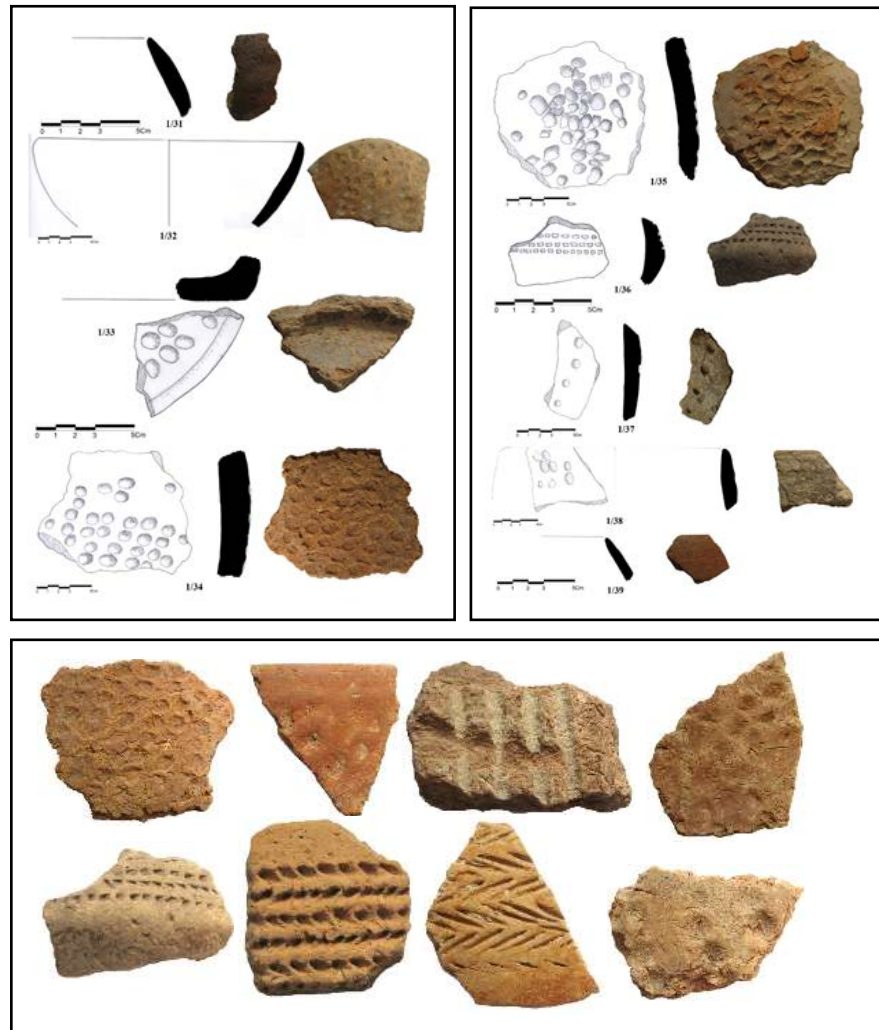
▲ تصویر ۲. خشت‌های بافت شده در تپه‌ی تازه‌کند (نگارنده، ۱۳۹۰).



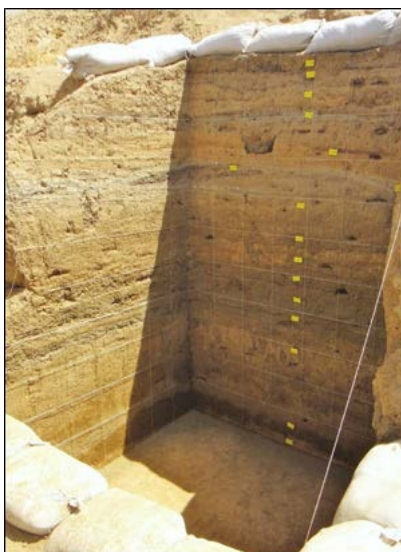
▲ تصویر ۳. دیوار یافت شده با شماره‌ی لوکوس ۱۲۰ در گمانه‌ی شماره‌ی ۱ (نگارنده، ۱۳۹۰).



شکل ۵. برش شرقی گمانه‌ی ۱ و توضیح نهشته‌های این گمانه (نگارنده، ۱۳۹۰).



► شکل ۶. طرح و تصاویر سفال‌های دالمایی یافت شده در گمانه‌ی شماره‌ی ۱ در تپه تازه‌کند که بیشتر آن‌ها را سفال‌های دالمای فشاری با پوشش گلی غلیظ و آمیزه‌های گیاهی و معدنی تشکیل می‌دهد (نگارنده، ۱۳۹۰).

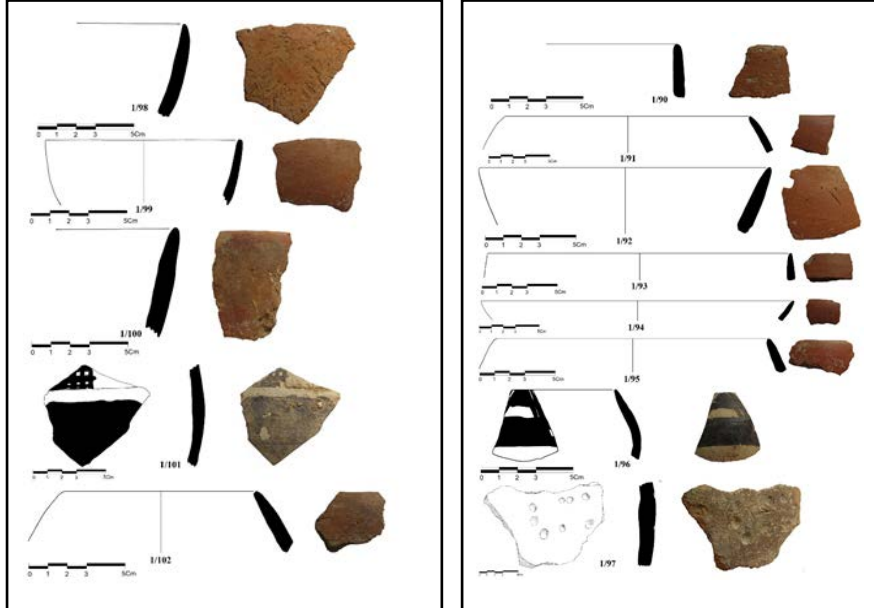


▲ تصویر ۴. تصویر گمانه‌ی شماره‌ی ۲ پس از اتمام کاوش (نگارنده، ۱۳۹۰).

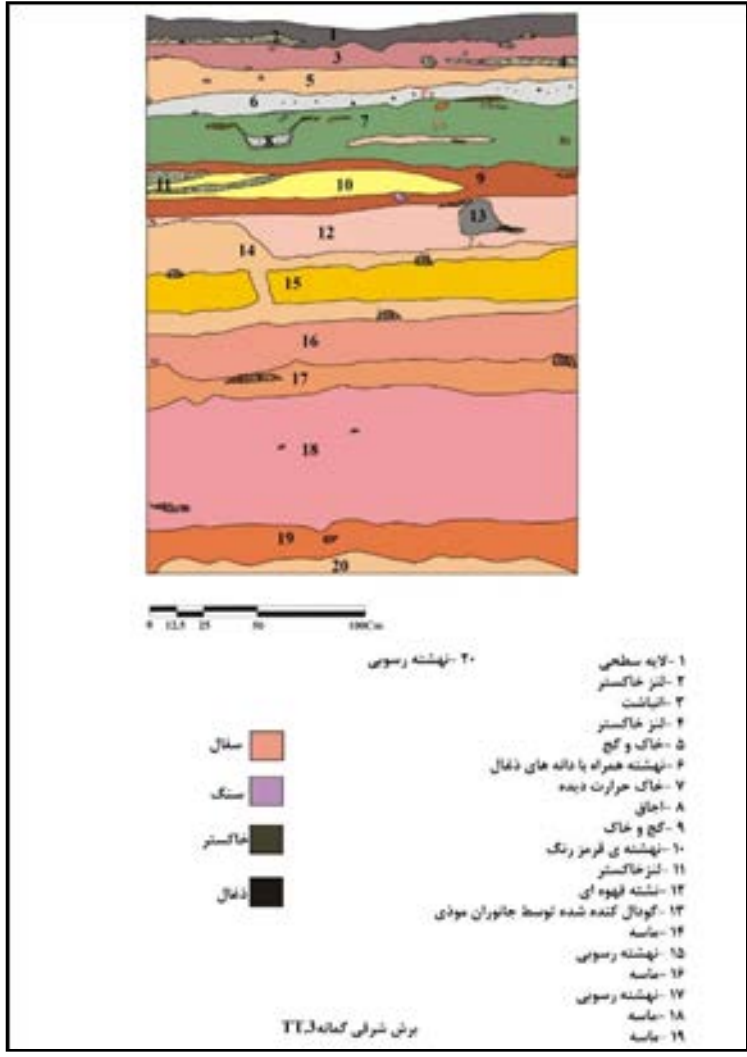
برگشت ۹۰ درجه‌ای به سمت جنوب امتداد می‌یابد و به دلیل تخریب این بخش چندان قابل شناسایی نیست.

گمانه‌ی آزمایشی شماره‌ی ۳ (TT.3)

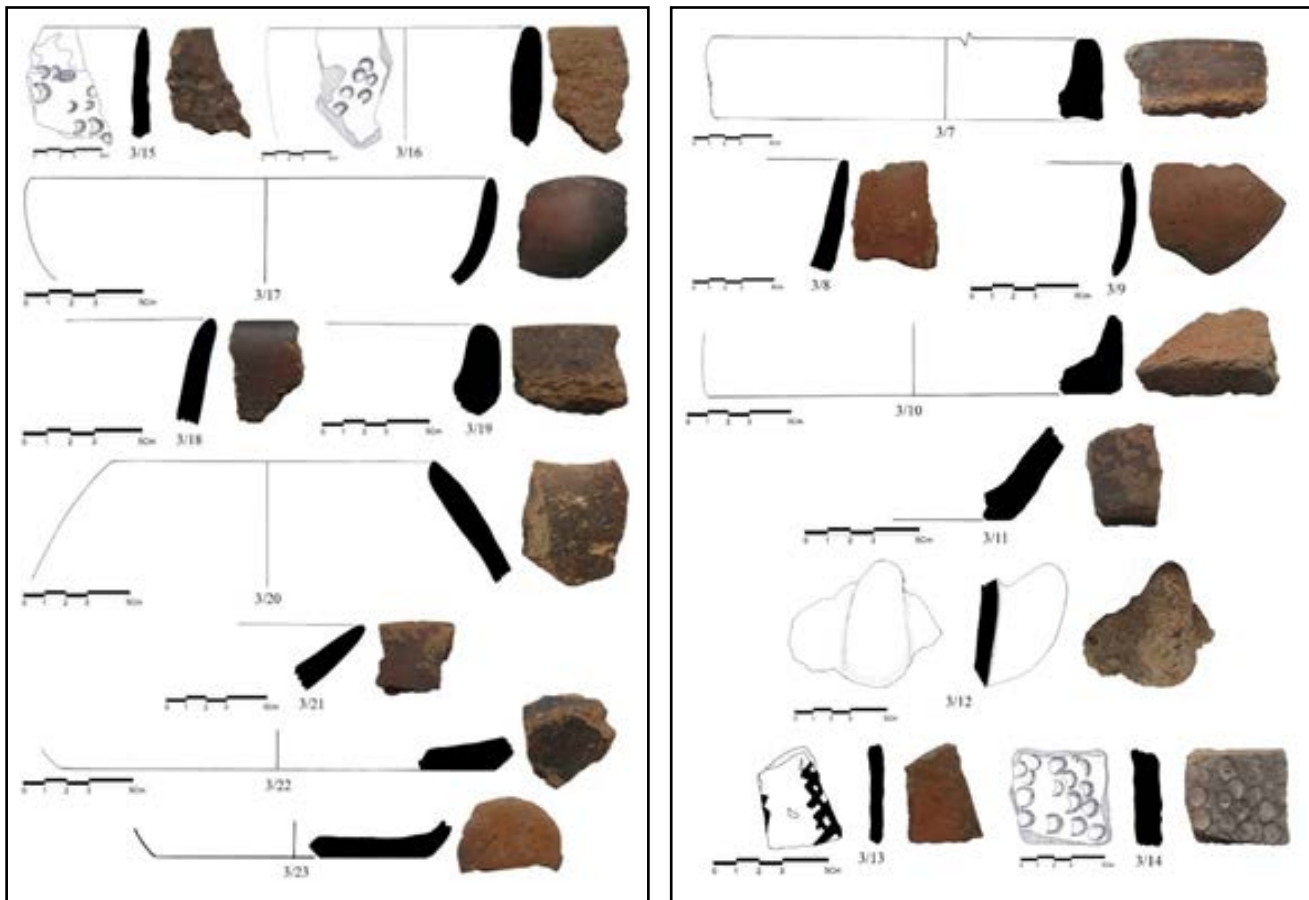
این گمانه در ضلع جنوبی تپه تازه‌کند و در کنار گودال بزرگ مرکز تپه، یعنی جایی که توسط کشاورزان گودبرداری شده است، قرار دارد (تصویر ۴). در این گمانه ۱۷ لوکوس شناسایی گردید و با اتکاء به مطالعه‌ی یافته‌های سفالین، در این گمانه نیز شواهدی از فرهنگ دالما در طیف وسیعی یافت گردید (شکل ۹) و حجم زیادی از یافته‌های این گمانه به‌طور کلی متعلق به دوره‌ی مس‌سنگ میانی است. هر چند نهشته‌های برجای مانده در این گمانه اطلاعات چندانی راجع به وضعیت فازها ارائه نداد، اما مشخص شد که این بخش از تپه، تجمع دورریزهای حاصل از فعالیت‌های مرتبط با سازه‌های حرارتی از جمله تنور، کوره و اجاق در این مکان قرار دارد و همین‌طور نهشته‌های رسوبی آن بین فازهای زمانی فاصله انداخته است (شکل ۸). بیشترین حجم انباشت در این گمانه مربوط به رسوبات رودخانه‌ای است.



شکل ۷. بخش دیگری از طرح‌ها و تصاویر سفال‌های دالمایی یافت شده در گمانه‌ی شماره‌ی ۱ در تپه تازه‌کند که بیشتر آن‌ها را سفال‌های دالمای فشاری با پوشش گلی غلیظ و آمیزه‌های گیاهی و معدنی تشکیل می‌دهد در بین این نمونه‌ها سفال‌های با نقش سیاه روی زمینه‌ی نخودی دیده می‌شود (شماره‌های ۱۷۹۶ و ۱۷۹۷)، (نگارنده، ۱۳۹۰).



شکل ۸. برش شرقی گمانه‌ی ۲ و توضیح نهشته‌های این گمانه (نگارنده، ۱۳۹۰).



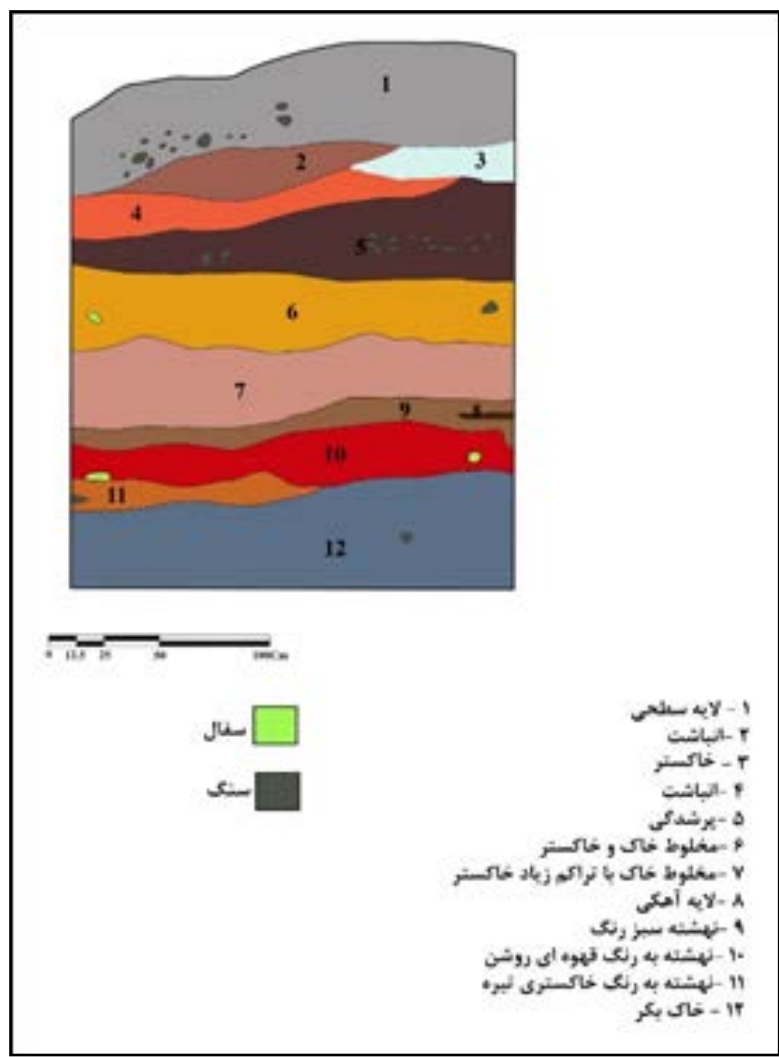
▲ شکل ۹. طرح و تصاویر سفال‌های دالمایی یافت شده در گمانه‌ی شماره‌ی ۴ که بیشتر آن‌ها را سفال‌های دالمای نیشگونی (فشاری) و ساده با پوشش گلی غلیظ و آمیزه‌های گیاهی و معدنی تشکیل می‌دهد (نگارنده، ۱۳۹۰).

گمانه‌ی آزمایشی شماره‌ی ۴ (TT.4)

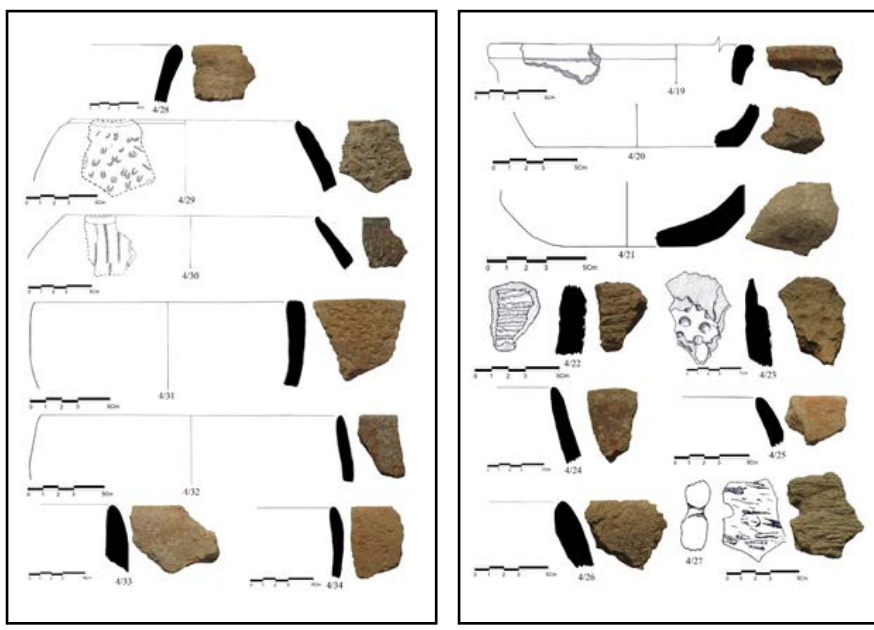
این گمانه در ضلع شمال غربی تپه و بر روی برش ایجاد شده توسط لودر در ابعاد در ابعاد ۰/۴×۲ متر در راستای تقریبی شرقی-غربی است. این ضلع تپه به دلیل تسطیح و تغییر کاربری به زمین‌های کشاورزی، وضعیت بسیار نامطلوبی پیدا کرده است. بازکردن این گمانه باعث شد تا تمامی قسمت‌های محوطه مورد آزمایش قرار بگیرد. در این گمانه نیز یافته‌های سفالین دالمایی از نوع نیشگونی خطی و ساده (شکل ۱۱) نشان‌دهنده‌ی یک‌دستی آثار دالما در کل محوطه است. این سفال‌ها نیز همانند گمانه‌های قبلی با همان تکنیک شاخص دالمایی با پوشش گلی غلیظ و آمیزه‌ی ترکیبی مواد گیاهی و معدنی ساخته شده‌اند. بخشی از قطعات دارای مغزی دودزده هستند که نشان‌دهنده‌ی پخت ناقص آن‌هاست.

گمانه‌ی آزمایشی شماره‌ی ۵ (TT.5)

این گمانه در ضلع جنوبی تپه و بر روی برش ایجاد شده توسط لودر قرار دارد. این ضلع تپه به دلیل تسطیح و تغییر کاربری به زمین‌های کشاورزی، وضعیت بسیار نامطلوبی دارد (تصویر ۷). در این گمانه نیز در لوکوس‌های انتهایی گمانه سفال‌های دالمایی با مشخصات سایر سفال‌های دالمایی کل محوطه در انواع نیشگونی و ساده یافت گردید. به نظر در این‌جا هم بعد از لایه مربوط به دوران گودین X لایه‌ی فرهنگی دیگری وجود ندارد (شکل ۱۳).



شکل ۱۰. برش شرقی گمانه‌ی ۴ و توضیح نهشته‌های این گمانه (نگارنده، ۱۳۹۰).

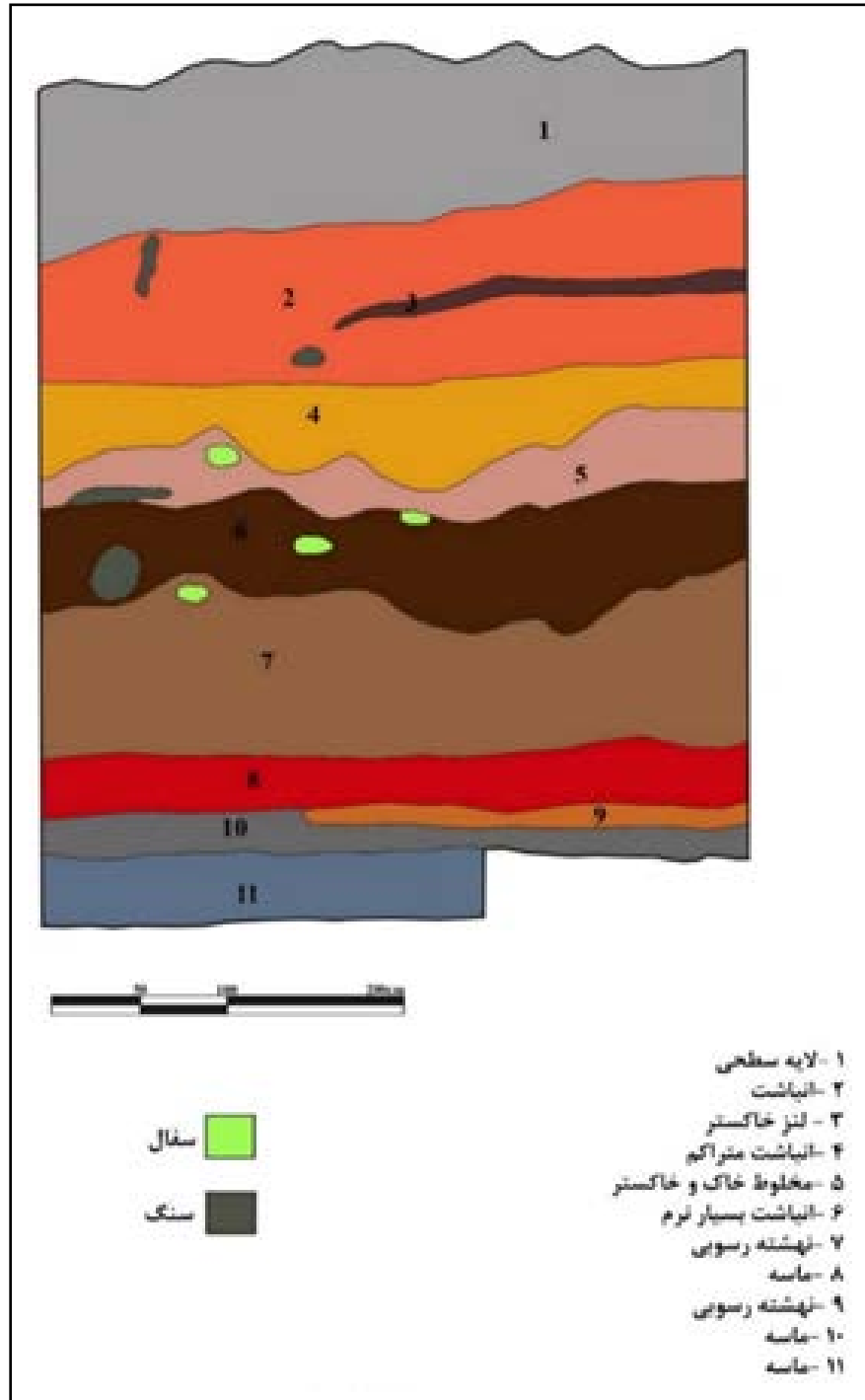


شکل ۱۱. طرح و تصاویر سفال‌های دالمایی یافت شده در گمانه‌ی شماره‌ی ۴ که بیشتر شامل سفال‌های دالمای نیشگونی (فشاری) و ساده با پوشش گلی غلیظ و آمیزه‌های گیاهی و معدنی است (نگارنده، ۱۳۹۰).

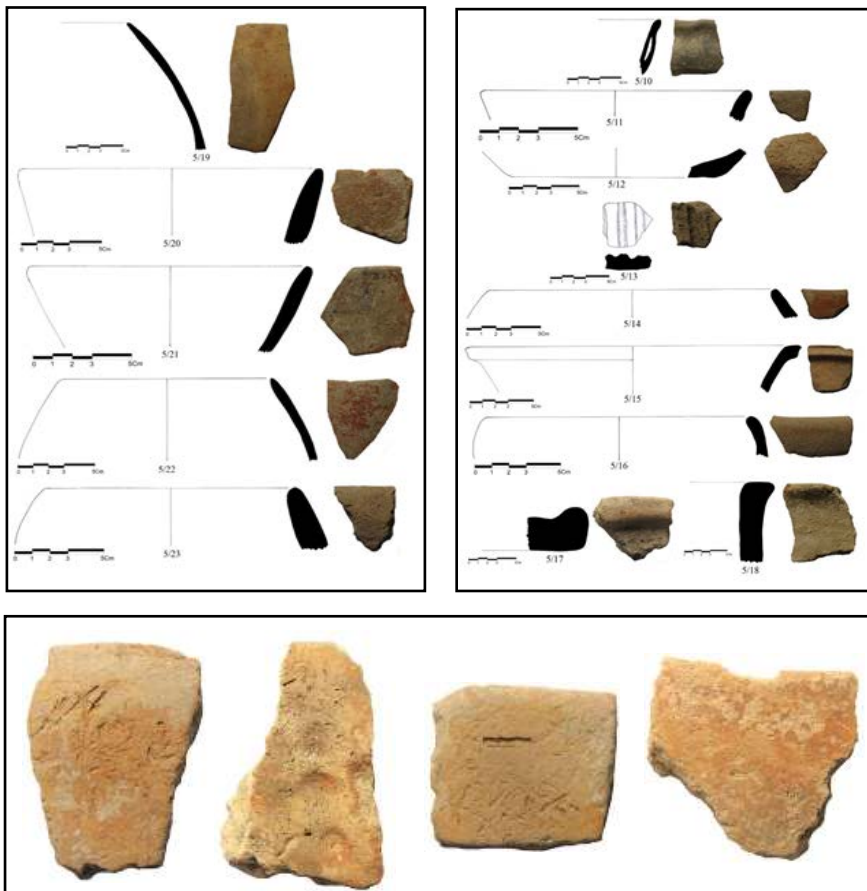


▲ تصویر ۵. تدفین کودک به حالت جمع شده در قسمت خاک‌های دیو شده (نگارنده، ۱۳۹۰).

در عمق ۱۴۰- سانتی‌متری، در لوکوس ۵۰۴ مقادیری استخوان به همراه مجموعه‌ی کودکی به‌دست آمد که بعد از پاک‌سازی و تثبیت موقعیت قرارگیری این مجموعه، مشخص شد که از جای دیگری به این مکان انتقال یافته است (تصویر ۵). لازم به یادآوری است که پیش از این در محوطه‌های دارای آثار فرهنگ دالما نمونه‌هایی از این شیوه‌های تدفین کودکان به شکل جمع شده اشاره شده است (Hamlin).



► شکل ۱۲. برش شرقی گمانه‌ی ۴ و توضیح نهشته‌های این گمانه (نگارنده، ۱۳۹۰).

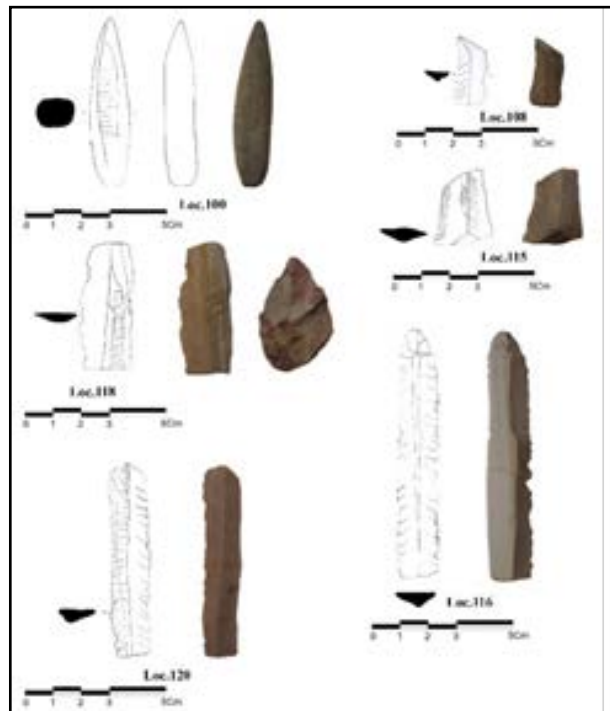


شکل ۱۳. طرح و تصاویر سفال‌های دالمایی یافت شده در گمانه‌ی شماره‌ی ۳ از تپه تازه‌کند که بیشتر آن‌ها را سفال‌های دالمای فشاری و ساده با پوشش گلی غلیظ و آمیزه‌های گیاهی و معدنی تشکیل می‌دهد (نگارنده، ۱۳۹۰). ◀

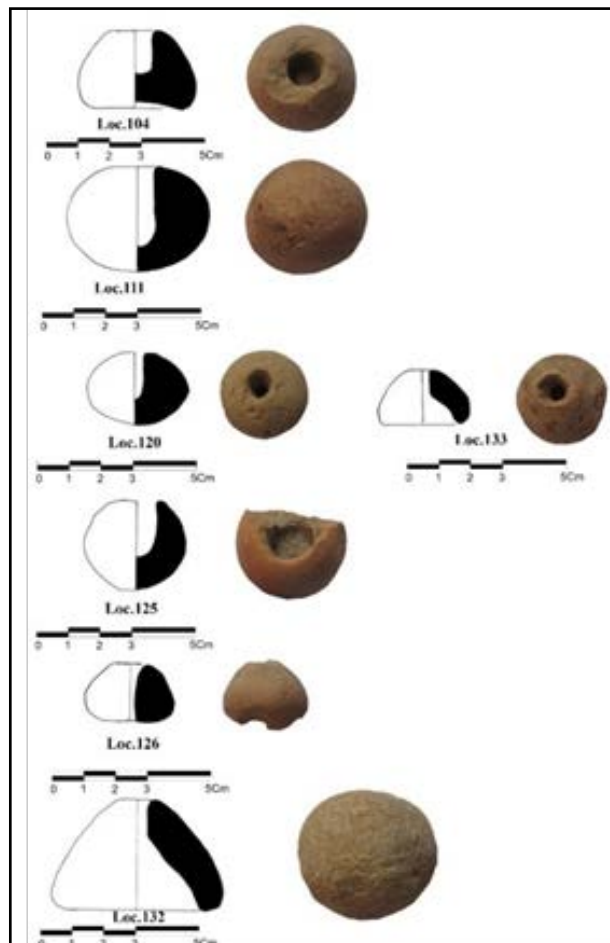
115: 1975). وجود حجم زیادی از خاک‌های دستی و دپو شده در این ضلع تپه پشته‌ای را ایجاد کرده که به احتمال زیاد همگی دستخوش تغییر شده و در جای اصلی خود شکل نگرفته است.

سایر یافته‌های محوطه‌ی تازه‌کند

نمونه‌هایی از ابزارسنگی و تعدادی سردوک نیز در میان یافته‌های این محوطه بود که به سبب تفاوت در ظاهر و کارکرد با بقیه یافته‌ها، یعنی یافته‌های سفالین با عنوان یافته‌های ویژه در این جا معرفی شده است. این اشیاء از گمانه‌های ۱، ۴ و ۵ به دست آمده است. به نظر می‌رسد این ابزارها متعلق به دوران مس‌وسنگ میانی است (شکل ۱۴) ولی می‌توان آن‌ها در فازهای مختلف گودین IX، VIII، X و طبقه‌بندی نمود (برای مقایسه ن. ک. به: Young & Levine, 1974: 77). سردوک‌ها بیشتر متعلق به گمانه‌ی ۱ و دو قطعه از آن‌ها مربوط به کارگاه ۵ است (شکل ۱۵) و همگی مربوط به فازهای مختلف مس‌وسنگ میانی است (برای مقایسه ن. ک. به: Hamlin, 1975: pl Ia and b و Young & Levine, 1974: 77). سردوک‌های یافت شده از این محوطه نیز به نوعی تعدد دام‌ها و نقش آن‌ها در الگوی معیشتی محوطه را به خوبی نشان می‌دهد؛ چراکه حجم سردوک‌های یافت شده با توجه به حجم خاک‌برداری و تعداد کارگاه‌ها، نشان از زیاد بودن این سردوک‌ها در محوطه دارد. همان‌طور که امروزه نیز می‌توان در روستاها و عشایر امروزی به نوعی مشاهده



► شکل ۱۴. ابزارهای سنگی یافت شده که همگی متعلق به گمانه‌ی شماره‌ی ۱ است (نگارنده، ۱۳۹۰).



► شکل ۱۵. سردوک‌های گلی یافت شده در گمانه‌ی ۱ (نگارنده، ۱۳۹۰).

کرد، این است که به نظر می‌آید این سردوک‌ها در جایی بیشترین کاربرد را دارد که پشم و موی حیوانات نیز برای رسیدن به اندازه‌ی کافی وجود داشته باشد و با توجه به وجود آن در محوطه‌ی تازه‌کند می‌توان در نظر گرفت این محوطه شرایط لازم را برای این کار داشته است.

دوره‌بندی تپه تازه‌کند: بیشتر یافته‌ها در لایه‌ها مربوط به سفال‌های ساده با پوشش قرمز رنگ دست‌ساز، و حجم زیادی نیز به صورت نیشگونی^۱ است و قابل مقایسه با سفال‌های دالما، دوره‌ی گودین X است. این سفال‌ها دست‌سازند و معمولاً دارای پوشش گلی غلیظ در هر دو طرف سفال است و با نقش‌های مخطوط، نیشگونی و مانند آن به شکل تصادفی و یکپارچه پوشیده شده است. فراوانی این قبیل سفال‌های شاخص دالما، بدان معنا نیست که این فاز زمانی تنها فرهنگ موجود در این محوطه است. به‌عنوان نمونه در لایه‌های فوقانی گمانه‌ی اصلی و ضلع شمالی تپه سفال‌هایی از دوران مفرغ میانی و جدید (گودین III) و دوران متأخر اسلامی و همچنین مخلوطی از سفال‌های گودین VI و VII (مس‌وسنگ جدید) به دست آمد. به دلیل جابه‌جایی و تخریب بیش از حد لایه‌های سطحی تپه امکان تمایز آن‌ها از بین رفته است. باقی لایه‌ها در گمانه‌ی ۱ را می‌توان در یک دوره‌ی مس‌وسنگ میانی طبقه‌بندی نمود. در سطوح پایین و نزدیک به خاک بکر شواهدی از وجود سیلاب و آثار طغیان رودخانه دیده می‌شود. علاوه‌بر سفالینه‌های ساده در فاز دالما، گونه‌ی خاصی از سفال‌های خشن با شیرهای موازی، مشابه نوعی سفال بین‌النهرینی موسوم به سینی پوست‌کنی^۲ به چشم می‌خورد و این موضوع می‌تواند به مطالعات بهتر شناخت برهم‌کنش‌های فرهنگی غرب ایران و بین‌النهرین کمک کند. در گمانه‌ی ۲ نیز در ضلع شمال غربی شواهد سفالی اکثراً چرخ‌ساز، به رنگ نخودی و نمونه‌هایی از سفال‌های منقوش سه‌گابی است.

با اتکاء به مطالعه‌ی آثار و شواهد یافته‌ها، در این محوطه علاوه‌بر دوره‌هایی که در حجمی محدود، تنها در بخش‌هایی از محوطه ساکن بوده‌اند، پیکره‌ی اصلی محوطه، شامل ساکنانی از دوه‌ی مس‌وسنگ میانی است که شامل فازهای متمایز گودین X و IX است. در این میان، فاز سه‌گابی، آن‌را به دو مرحله‌ی مجزا می‌توان تقسیم‌بندی نمود. لایه‌های فوقانی شامل انباشت‌ها و پرشدگی‌هایی است که تلفیقی از سفال‌های منقوش سه‌گابی و دالما است. این بخش از انباشت‌هایی به شکل پرشدگی و واریزه تشکیل شده که با پاک‌سازی آن، تعدادی از سازه‌های حرارتی، شامل اجاق‌ها و چاله‌ی خاکستر پدیدار شد. اما فاز ابتدایی، یعنی فاز دالما، علاوه‌بر نهشته‌ها و دورریزها و سفالینه‌های شاخص از جمله سفال‌هایی با نقش نیشگونی، بقایای دیواری خشتی نیز شناسایی شد و در نهایت مشخص گردید که آثار دالما، آثاری هستند که در این محوطه بر روی خاک بکر یا بر روی رسوبات رودخانه‌ای شکل گرفته است. وجود نهشته‌های رسوبی، به دلیل نزدیکی به رودخانه و سیلاب‌های فصلی در لایه‌ها نشان می‌دهد که در بین لایه‌های فرهنگی، لایه‌های رسوبی ناشی از این سیلاب‌ها قرار گرفته‌اند و هر از گاهی این سیلاب‌ها جایگزین لایه‌های فرهنگی می‌شوند. برای نمونه، لایه‌نگاری برش‌ها

1. Impress

2. Husking tray ware

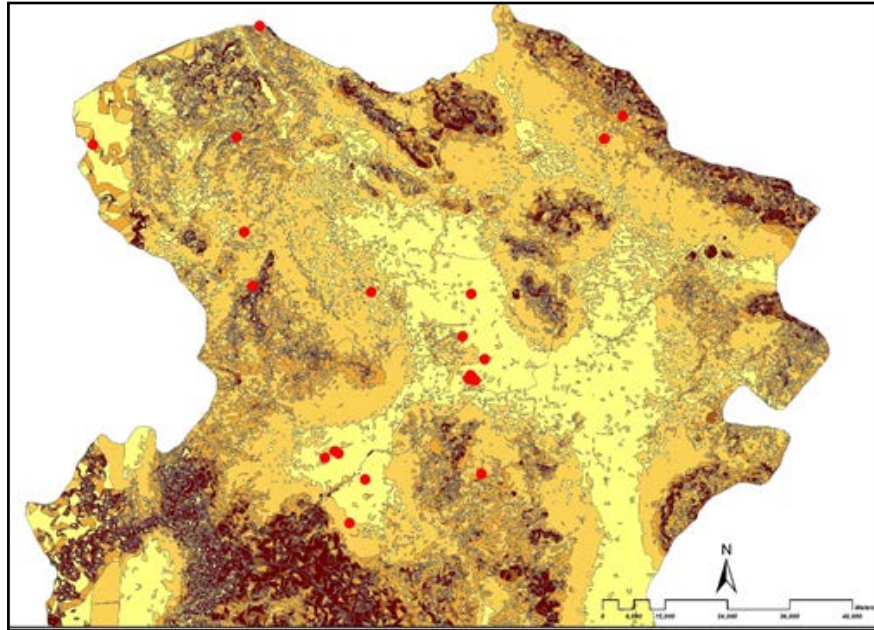
در شکل‌های ۵، ۸، ۱۰ و ۱۲ نشان می‌دهد این لایه‌های رسوبی در همه‌جای محوطه وجود دارد، به‌طوری که در گمانه‌ی ۲ (شکل ۸) لایه‌های ۱۴، ۱۵ و ۱۶ کاملاً با ماسه‌ی رودخانه‌ای پُر شده است. نوسانات این‌چنینی در این دشت و وجود رودخانه‌ای از نوع مئاندری (نوعی رودخانه‌ای پیچشی که با انرژی پایین تشکیل می‌شود و زمانی که رودخانه توانایی حفر بستر و موانع جلوی راه را ندارد، بستر خود را به‌صورت عرضی جابه‌جا می‌کند) احتمال تشکیل سکونتگاهی دائمی را برای مدتی طولانی در این محوطه با تردید روبه‌رو می‌کند.

گستره‌ی فرهنگ دالما در دشت همدان: بنا بر آن‌چه رفت و اکثر باستان‌شناسان با آن موافقند، گستره‌ی وجودی شواهد دالما بیشتر تحت تأثیر گسترش فرهنگی است تا حرکت‌های جمعیتی؛ چیزی که در یافته‌های دالمایی تازه‌کند نیز کم و بیش مشهود بوده و با اضافه کردن منطقه‌ی همدان به این نقشه، شاید بتوان با قراین موجود محدوده‌ای متشکل از شمال‌غرب، زاگرس مرکزی و قسمت‌های شرقی آن، لرستان و بخش‌های شمالی بین‌النهرین را برای فرهنگ دالما با قوت بیشتری تعریف نمود (شکل ۲). با دیدن حجم غنی آثار دالمایی در سکونتگاه تازه‌کند و سکونتگاه‌های دالمایی دیگر، نظیر: مروان، ساری‌تپه، متروک، بهرام‌آباد، چلانقی، حسن‌تپه و... در دشت‌های بهار، همدان، کبودرآهنگ، فامنین و شیرین‌سو (جدول ۱) باید یک واحد فرهنگی بزرگ دالمایی دیگر به این مجموعه اضافه کرد (شکل‌های ۱۶ و ۱۸).

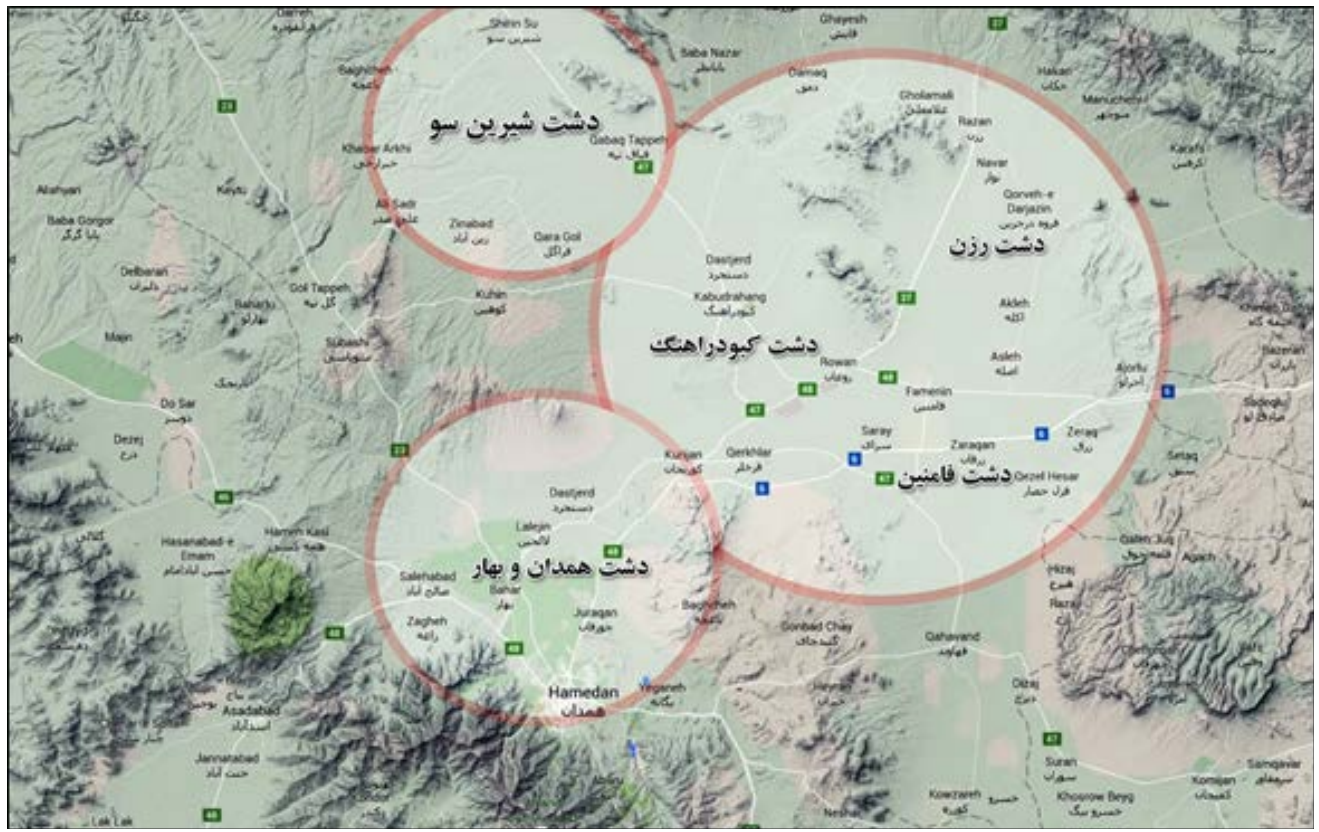
این واحدهای فرهنگی در واقع دشت‌هایی کوچک و میان‌کوهی است که بر روی هم تشکیل یک واحد بزرگ‌تر در پس‌کرانه‌های شمالی کوه الوند را می‌دهد و شاید بتوان آن‌ها را با نام کلی «دشت همدان» نام‌گذاری کرد. با نگاهی به

► جدول ۱. محوطه‌های دارای آثار دالمایی معرفی شده در محدوده‌ی مورد بحث (برگرفته از: بلمکی، ۱۳۹۴: ۲-۳۱ و محدوده‌ی رزن برگرفته از: مترجم، ۱۳۸۸).

ارتفاع از سطح دریا (متر)	مساحت محوطه (مترمربع)	شهرستان	نام محوطه
۱۷۹۲	۹۷۲۰	همدان	مروان
۱۷۵۱	۵۲۵	همدان	بهرام‌آباد
۱۸۷۱	۲۶۴۶	همدان	چلانقی
۱۶۹۱	۷۷۸۸	کبودرآهنگ	حسن‌تپه
۱۷۰۶	۱۴۸۰	کبودرآهنگ	متروک ۱
۱۶۷۸	۲۰۸۰۰	کبودرآهنگ	ساری‌تپه
۱۹۶۹	۱۷۱۵۰	کبودرآهنگ	تپه دیونه
۱۸۱۵	۶۵۹۸	کبودرآهنگ	ایستی‌بلاغ
۲۰۰۶	۵۶۰	کبودرآهنگ	ابدال طاقچه‌سی
۱۸۵۵	۲۵۱۶	کبودرآهنگ	تپه شیخ‌جراح
۱۶۸۳	۱۱۶۱۶	کبودرآهنگ	تپه بزرگ
۱۶۷۵	۱۰۵۶۰	کبودرآهنگ	گوجه‌تپه
۱۸۱۲	۳۵۳۸	کبودرآهنگ	شعبان‌تپه
۱۷۰۵	۱۶۴۵	کبودرآهنگ	چخماقی‌تپه
۱۷۴۰	۱۳۴۴	بهار	حسام‌آباد
۱۷۴۱	۱۳۷۸۴	بهار	دینار‌آباد
۲۰۲۳	۱۶۱۵۰	رزن	طوبله
۲۰۱۹	۶۰۰۰	رزن	تپه پشت‌سد
۲۲۳۶	۱۸۶۲	کبودرآهنگ	محوطه غار سراب
۱۶۶۷	۵۳۲۵	کبودرآهنگ	تپه گود



شکل ۱۶. محوطه‌های دالمایی شناخته شده در پس‌کرانه‌های شمالی الوند محدوده‌های همدان، بهار، کیودراهنک، شیرین‌سو، رزن و فامنین در نقشه‌ی توپوگرافی و شیب زمین (نگارنده، ۱۳۹۰). ◀



▲ شکل ۱۷. دشت‌های میانکوهی و کوچک همدان که در واقع تشکیل یک واحد بزرگ‌تر فرهنگی را می‌دهند (Google Map).
 ساختار زمین ریخت‌شناختی این منطقه متوجه راه‌هایی می‌شویم که بین این دشت‌های کوچک قرار گرفته و در واقع هسته‌های اصلی اجتماعات پیش‌اتاریخی نیز در نقاط تلاقی این مناطق و در این مسیرهای بین‌کوهی قرار گرفته‌اند (شکل ۱۷). این دشت‌های باز شبه میانکوهی کوچک و نسبتاً مسطح (غیر از کوه الوند

شکل ۱۷. دشت‌های میانکوهی و کوچک همدان که در واقع تشکیل یک واحد بزرگ‌تر فرهنگی را می‌دهند (Google Map).

سایر کوه‌های منطقه ارتفاع کم و شکلی تپه مانند دارند) همواره مورد توجه کانون‌های جمعیتی دوران روستائیشینی در دشت همدان بوده و به‌نظر می‌آید در دوران پیش‌ازتاریخ به‌عنوان استقرارگاه مورد استفاده بوده است.

نتیجه‌گیری

بدیهی است که گسترش فرهنگ دالما همان‌طور که شواهد حاصل از پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهد، می‌توانسته در این قسمت‌ها متمرکز شود و بسته به وسعت حوزه‌ی معیشت که با وسعت زیستگاه ارتباط نزدیکی دارد، انسجام اصلی خود را در این منطقه پیدا کرده باشد.

عوامل دیگری نظیر جایگیری محوطه‌ها براساس نوع اقلیم انتخابی برای سکونت نیز تا حدی این وضعیت عدم اتکا به قابلیت‌های زیستی بلندمدت را تا حدی قوت می‌بخشد. بر طبق مشاهدات و داده‌ها، همه‌ی محوطه‌ها به‌جز یک اثر که آثار فرهنگ دالما در نزدیکی یک دهانه‌ی غار پیدا شده، بقیه در اقلیم کوهستانی نیمه‌خشک که البته اقلیم غالب منطقه نیز به‌شمار می‌رود، ساکن شده‌اند (شکل ۱۸)؛ در حالی که در سکونت‌های بلندمدت، می‌توانست بهره‌برداری بیشتری از این اقلیم برده شود و از قابلیت‌های زیست‌محیطی آن استفاده بیشتری

شکل ۱۸. محوطه‌های دارای آثار فرهنگ دالما از جمله تپه تازه‌کند در دشت همدان، همگی به‌غیر از یک مورد در اقلیم نیمه‌خشک واقع شده (نگارنده، ۱۳۹۴).



داشته باشند. لازم به یادآوری است که ذخیره‌ی غذایی موجود در خاک‌های این ناحیه، قابل توجه بوده و توانایی کشت انواع محصولات زراعی، به صورت مرتع و جنگل را دارا است. این مهم خود بیانگر عدم برنامه‌ریزی بلندمدت و عدم اتکا نوع معیشت این گروه‌های جمعیتی به قابلیت‌های کشاورزی نهفته در این گونه اقلیم‌ها است. با مقایسه‌ی منطقه و کاربری اراضی آن در حال حاضر، باید با احتیاط بیشتری در مورد شباهت‌های امروزی و کاربری این اراضی در دوره‌ی مس‌وسنگ بحث کرد؛ چراکه درست است که نوع اقلیم تفاوت چندانی را نشان نمی‌دهد اما استفاده‌ی بی‌رویه و فراتر از توان بازسازی این دشت، باعث شده تا زمین‌های مرتعی که روزگاری برای چرای دام‌ها و استفاده فصلی بسیار مناسب بوده‌اند چهره‌ی دیگری به خود بگیرند و می‌توان دید که امروزه با استفاده از منابع آب زیرزمینی این مراتع را تبدیل به زمین‌ها و باغ‌های آبی کرده‌اند و البته بعد از گذشت چندین سال این سیستم باعث به پایان رسیدن منابع آب زیرزمینی و در نتیجه‌ی این عوامل در سال‌های اخیر، این زمین‌ها به صورت لم‌یزرع و بدون آب و علف درآمده و در حال حاضر چهره‌ی زمین‌های آبی را تبدیل به زمین‌های لم‌یزرع و بدون آبی کرده است؛ بنابراین آنچه که در حال حاضر از سیمای منطقه می‌بینیم، ظاهری متفاوت از آنچه که این دشت بوده به آن داده است.

دشت همدان در اوایل فصل بهار و بعد از گذراندن فصول بارانی چهره‌ی ملایم و مناسبی برای استقرار به‌خود می‌گیرد؛ از این‌رو این مراتع نسبتاً سرسبز بهاری، جوامع رمه‌دار و کوچ‌رو را به‌خود جذب کرده و در نهایت گروه‌های جمعیتی کوچ‌رو، با پایان پذیرفتن فصل بهار ناچار به نقل مکان به مناطق حاصلخیزتر می‌شوند. باید این مسأله را هم در نظر گرفت که منطقه‌ی استپی همدان، خود در مقابل بهره‌برداری‌های بی‌رویه و جمعیت زیاد رمه‌ها در همه‌ی دوره‌ها و حتی امروزه به شدت حساس است و در عین برخوردارگی از قدرت بازسازی مساعد، با بالا رفتن درجه‌ی خشکی هوا، احتمال بروز تخریب در آن زیاد است؛ بنابراین به نوعی افزایش استقرارها را در این دوران باید با نوعی جابه‌جایی‌های فصلی درون منطقه‌ای که امروزه نیز به نوعی در منطقه شایع است، محتمل‌تر دانست. جمعیت‌های خوش‌نشین هنوز هم در منطقه حرکت‌های فصلی درون منطقه‌ای دارند. برای نمونه تصویری از گروهی از



تصویر ۶. تصویری از رفت‌وآمد خوش‌نشین‌های منطقه در اطراف تپه تازه‌کند که در حین کاوش گرفته شده است (نگارنده، ۱۳۹۰). ◀

این مردمان در زمان کاوش در تپه تازه‌کند گرفته شده که اطراف این تپه ساکن هستند و یا در حال گذار از این منطقه هستند (تصویر ۸). لازم به ذکر است که این گروه‌ها در مقایسه با جمعیت‌های عشایری تفاوت‌هایی در نوع معیشت دارند. با مصاحبه‌ای که با برخی از اعضای این گروه‌ها صورت گرفت، این افراد کرد زبان‌هایی هستند که از مناطق غربی استان کرمانشاه به این مناطق کوچ کرده‌اند. گروه‌هایی که همانند عشایر زندگیشان وابستگی چندانی به دامپروری و به طبع، استفاده از مراتع وسیع ندارد. این افراد نوعی زندگی کولی‌وار دارند که در حال حاضر با تکی‌گری در شهرها و کارگری در مزارع روزگار خود را می‌گذرانند. در گذشته‌های نه‌چندان دور، قبل از تبدیل همه‌ی زمین‌ها به مزارع کشاورزی، عشایر ترکاشوند از منطقه‌ی ملایر، به این نواحی (قرق بهار) می‌آمدند، اما امروزه آن‌ها دیگر به این دشت نمی‌آیند، که البته همه‌ی این گروه‌ها در مجموع، خود نشان از رواج نوعی زندگی سازگار با استقرارهای موقتی و فصلی و البته کوچ‌نشینی در گذشته در این منطقه بوده است.

با در نظر گرفتن برخی از شواهد موجود نظیر سیلاب‌های متعددی که در لایه‌های فرهنگی تپه تازه‌کند وجود دارد و همین‌طور ویژگی‌های زیست‌محیطی دشت همدان و یک نگاه کلی به مجموعه استقرارگاه‌های دالمایی دشت همدان، می‌توان این نوع از سکونتگاه‌ها را، نیمه‌دائم قلمداد کرد که تا امروز نیز برخی از این ظرفیت‌ها را در خود حفظ کرده است.

سپاسگزاری

ناگفته، روشن است که پژوهش‌های میدانی باستان‌شناسی بدون همکاری و همدلی جمعی صورت می‌گیرد و نگارنده بر خود لازم می‌داند از زحمات اعضای گروه جناب آقای مصطفی رشیدی و مرتضی ادیب‌زاده، تلاش و همکاری دانشجویان کارشناسی باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی همدان (ورودی ۱۳۸۶)، از دوستان و همکاران در گروه باستان‌شناسی جناب آقای دکتر رضا نظری‌ارشد و خانم دکتر رؤیا تاجبخش قدردانی نماید. هم‌چنین از آقای رامین یشمی و خانم شیما گنج‌دوست به‌خاطر همراهی در مطالعات تکمیلی و دوستان زمین‌شناسی آقای دکتر مسعود اصغریان رستمی و خانم دکتر بهناز بلمکی در انجام پژوهش‌های ماکروموفولوژی سپاسگزاری نماید.

کتابنامه

- بلمکی، بهزاد، ۱۳۸۸، «بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان بهار همدان»، سازمان میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان همدان (منتشر نشده)
- بلمکی، بهزاد، ۱۳۹۰، «کاوش لایه‌نگاری تپه تازه‌کند در استان همدان»، سازمان میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان همدان (منتشر نشده)
- بلمکی، بهزاد، ۱۳۹۲، «گاهنگاری نسبی دشت همدان (پس‌کرانه‌های شمالی کوه الوند) از هزاره‌ی پنجم تا دوران میانی هزاره‌ی سوم پیش از میلاد»، مجموعه باستان‌شناسی و تاریخ شهر همدان، به کوشش: علی هژبری، تهران، پژوهشگاه سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع دستی، صص: ۱۷-۳۱.

- بلمکی، بهزاد، ۱۳۹۴، «تحلیل الگوهای استقرار محوطه‌های مس سنگی متأخر دشت همدان براساس توزیع رتبه-اندازه و مدل آنتروپی شانون»، مجله‌ی علمی-پژوهشی *مطالعات باستان‌شناسی*، سال هفتم، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۱، صص: ۲۹-۴۵.

- تاج‌بخش، رویا و بلمکی، بهزاد، ۱۳۹۳، «تحلیل الگوهای استقرار و حوزه‌ی گیرش محوطه‌های عصر مس سنگی واقع در اطراف الوند در ارتباط با تشابهات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای»، مجله‌ی علمی-پژوهشی *مطالعات باستان‌شناسی*، سال ششم، شماره ۱، شماره پیاپی ۹، ۱-۲۰.

- تهرانی، خسرو، ۱۳۸۲، *زمین‌شناسی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱، *فرهنگ جغرافیایی شهرستان‌های کشور، شهرستان همدان*، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- کردوانی، پرویز، ۱۳۷۴، *جغرافیای خاک‌ها*، تهران، دانشگاه تهران
- مترجم، عباس، ۱۳۸۸، «بررسی شناسایی و مستندسازی شهرستان فامنین»، سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده)

- Henrickson, E. F., 1985, "An updated chronology of the Early and Middle Chalcolithic of the Central Zagros Highlands western Iran", *Iran*, Vol. XXIII, pp63-108.

- Henrickson, Elizabeth, F. & Karen, V., 1987, "The Dalma Tradition: Prehistoric Interregional Cultural Integration in Highland of Western Iran", *Paléorient* 13, (2):37-46.

- Hole, F., 2011, *Interactions Between Western Iran and Mesopotamia From the 9th-4th Millennia B. C.*, *Iranian Journal of Archaeological Studies* 1: 1.

- Tonoike, Y., 2009, *Beyond Style: Petrographic Analysis of Damla Ceeramics in Two Regions of Iran*, Department of Anthropology, New Haven.

- Young, T. C. Jr., 1963, *Dalma Painted Waer*, Expedition, winter 1963

- Young, T. C. Jr., 1969, *Excavation at Godin Tepe, first progress Report*, Royal Ontario Museum, vol. I & II

- Young, T.C. Jr. & Levine, L.D., 1974, *Excavation of the Godin project: Second Prrogress Report*, Occasional Papers no.26, Art and Archaeology, Toronto, Royal Ontario Museum.